

GAMERVERSE

MARVEL

#2

# SPIDER-MAN

## VELOCITY

HOPELESS  
LAISO  
ROSENBERG



دورنامه  
dorrname.ir

کاری از: کیوان داوند





چس؟ من چیزی نگفتم. بلند آه کشیدی.

آه پیتر پارکر نشونه ای از عمیق ترین و تاریک ترین سایه هاست.

معیار زیاد خوبی نیست.

تو بی شک خوش بین ترین آدمی هستی که تا حالا تو زندگیم دیدم. اگه قرار بود بر اساس آدم های دیگه روی تو قضاوت کنم، هیچ چیزی نباید منو اذیت کنه.

و دوست من بودن می تونه خیلی آزاردهنده باشه.



آره.



من نمی خوام اوضاع رو سیاه جلوه بدم. بهت گفتم باهات میام...

به عنوان تمام تاروپوادم به این جادوگر بازی ها مشکو کم.



آره، به عنوان یه گزارشگر، من نباید از کنار هیچ چیزی بی تفاوت بگذرم. و دانش تو تا حالا اصلا مفید نبوده.



سلام عرض می کنم، خوش آمدید دوستان اهل شناخت من. من کوئنتین بک هستم. صاحب خرگوش سیاه.

هرچیز خوب یا بدی که باعث شده سایه شما به این محل بیفته مایه افتخار بنده رو فراهم کرده.

چه کمکی از دست من برمیاد؟



من یه مشکل کوچیک با ارواح دارم و تو سایت شما خوندم که شما با ... مرده ها در ارتباط هستید.

عجب؟



کاملاً درست خوندید. قطعاً قطعاً.





جلسات احضار سنتی امکان داره به کم تیره و تا باشه.

ایجاد خطوط مستقیم به طرف دیگه می تونه خیلی سخت باشه.

به همین دلیل روش خودم رو با خواندن کارت ها و کریستال شناسی ترکیب می کنم...



باید به جلو و عقب و عمق دقت کرد.

و تا حد امکان در پرده غیب نفوذ کرد.



دلیل وجود این همه دوربین چیه؟ انگار اینجا رو برای اجرای یه شو با جلوه های صوتی و تصویری آماده کردید.



ابزار این پیشه سیاه ارزان تهیه نمی شن. نمی شه که بذاری همینجوری غیب بشن.

امنیت مرد نیک. ۲۴ ساعته تصاویر به موبایل من ارسال می شن.



فکرم بشدت مشغول این موضوعه که چجور نمایشی قراره ببینیم.

پیتر یه... دانشمنده.



من یه آدم شکاک می بینم.

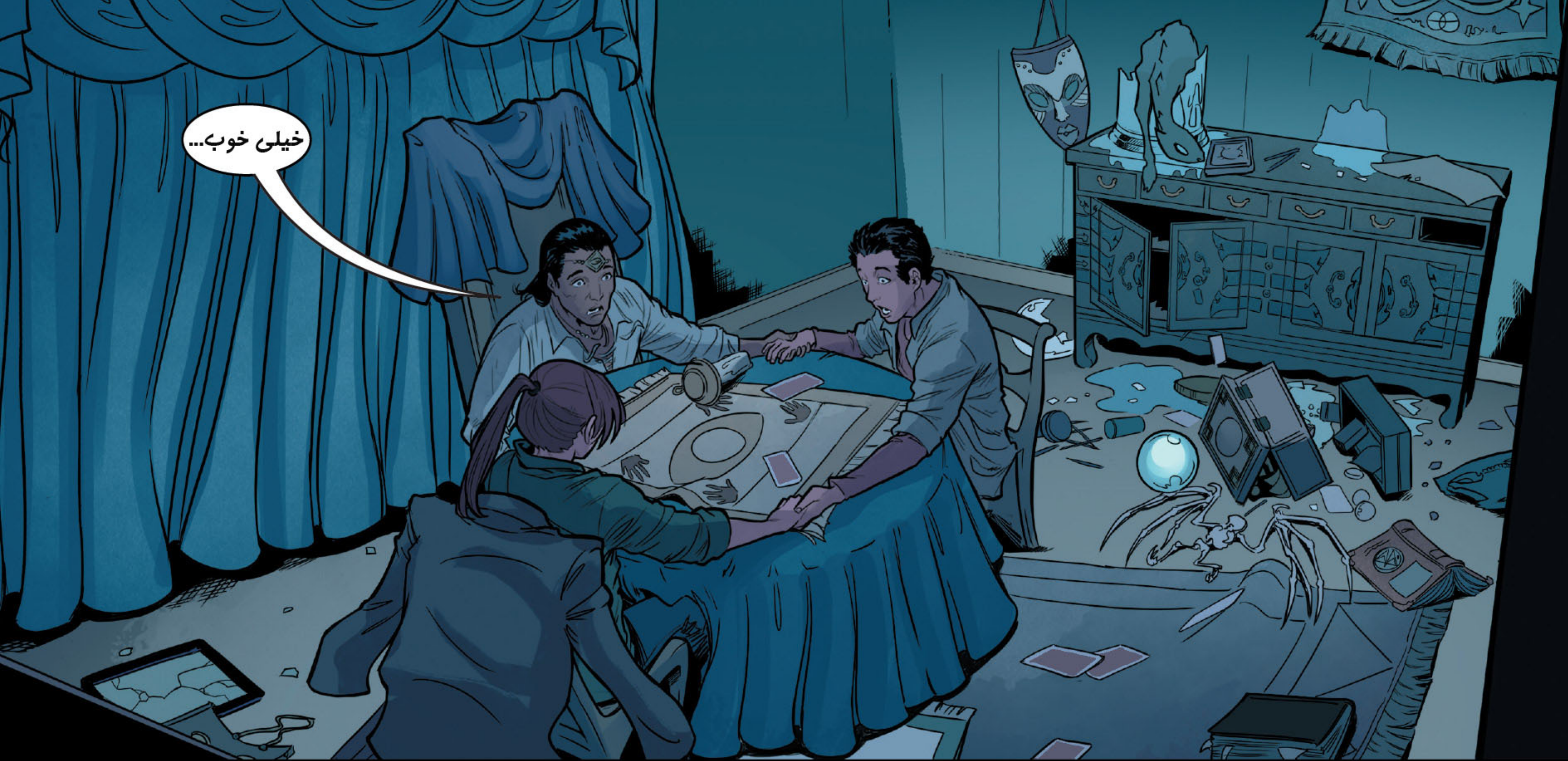
بذار ببینم می شه ذهن پیتر رو باز کرد.

روح ناآرومی داری. از شما خواهش می کنم به پرده غیب نفوذ کنی و داستان خودت رو به ما بگی. خودت رو مجبور کن...









خیلی خوب...



هیچ کاری نکرده. نگاش کن.

چیکار کردید؟ چی فهمیدیم؟

خوب. چی می تونید بهمون بگید؟

فوق العاده بود. ...

پیتز.



نه، حق با اونه. من نبودم.

من یه کلاهبردار یا چیز دیگه ای نیستم. من به کل مسائل اعتقاد واقعی دارم.

ولی قبلا چنین تجربه ای نداشتم. حتی جلسه احضار رو شروع نکرده بودم.



بگذریم... برای شما موردی داره که من این ویدئو رو تو کانال می تیوبم آپلود کنم؟

کل پولتونو پس می دم.

خدای من... اگه این ویدئو پرطرفدار بشه... می دونید چی می شه؟!؟



اگه یه بفرستید مشکلی نداره.

عجب :-





اگه راجع به اون دوست ترسناک باشه که سعی کرد تو رو بترسونه... باور می کنم.

باورت نمی شه دیشب چه بلایی سرمون اومد.



همینطور دندانپزشکم و همه اونهایی که امروز صبح تو شیرینی فروشی تو صف بودند!

می بینی پیتر؟ بن هم ماجرا رو دیده.

منگر چیزهایی که دیدیم، نیستم. فقط...



پیتر هنوز به ارواح باور نداره. غیر از اونیه که تو این ویدئو ضبط شده.

چطور آدم غیرمنطقی اینجا منم؟

حالا که حرف ویدئو پیش اومد... من با شوهر همکارم که کشته شده بود صحبت کردم. اسمش مگی بود. این نوارهای ویدئو رو از بایگانی آژکورپ جنتیکس برام فرستاد.



ولی این آخری فرق می کنه.

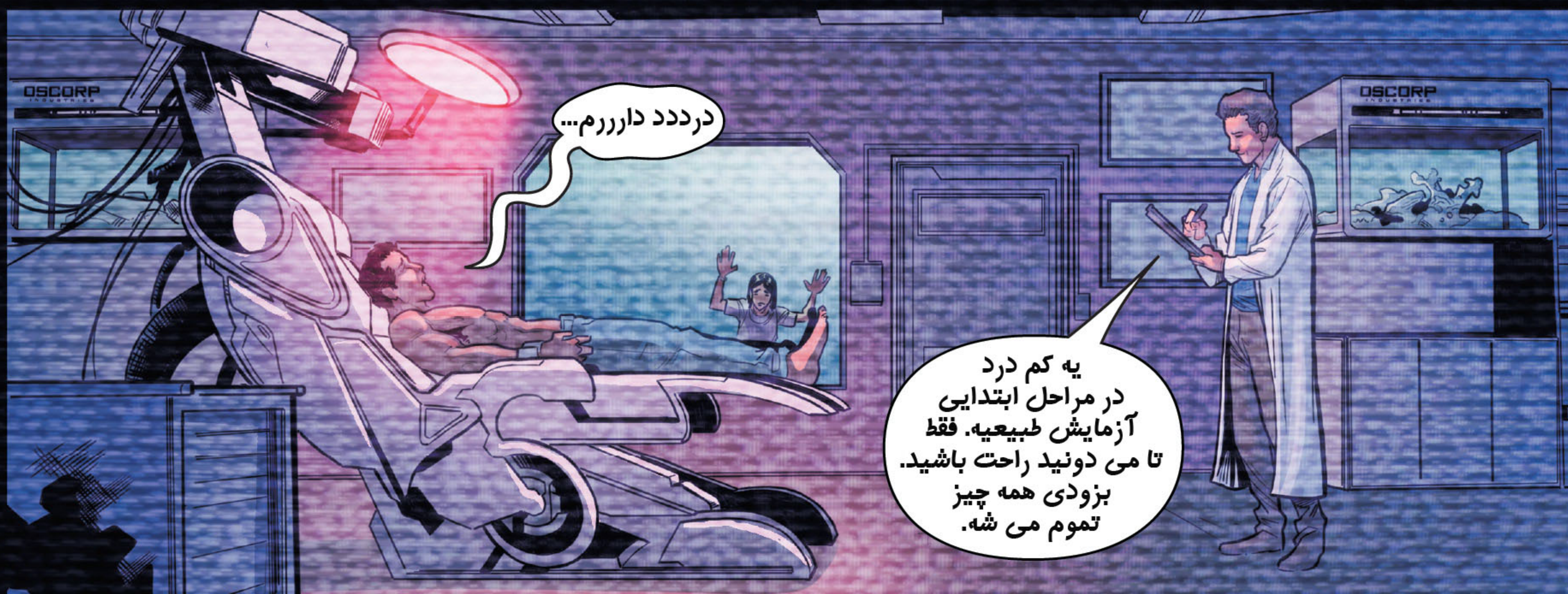
فیلم های مربوط به آزمایش ها. هستند. اونها معمولی هستند.





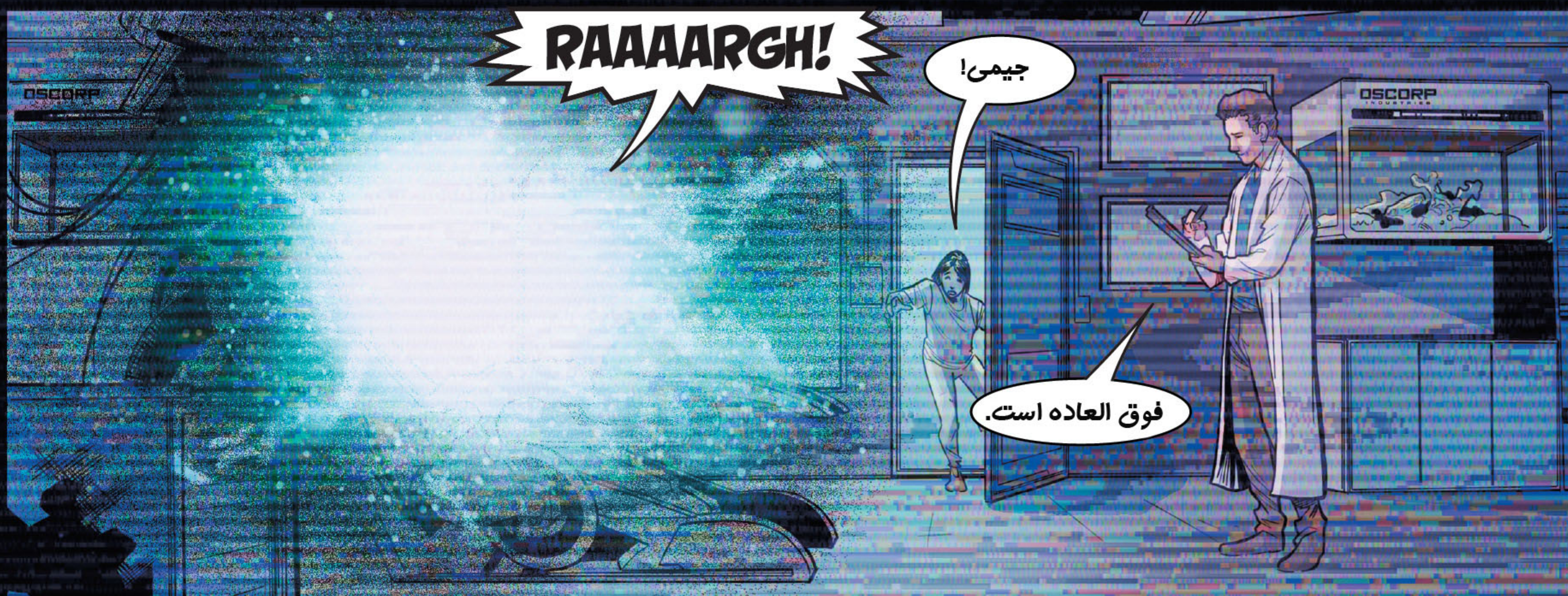
آزمایش های ژنتیکی آزکوپ. مرحله ۴.

بیماران متابولیک. تست ۱۸.  
فرد مورد آزمایش: جیمز هاروی. ۲۹ ساله.



دردد داررم...

یه کم درد در مراحل ابتدایی آزمایش طبیعییه. فقط تا می دونید راحت باشید. بزودی همه چیز تموم می شه.



**RAAAARGH!**

جیمی!

فوق العاده است.



محو شد. اونو کشتید! چیکار کردید؟! چیکار

نه، خانم هاروی. همسر شما جایی نرفته.

ولی کارهایی که الان می تونه بکنه...





... ما رو به جاهای خوبی قراره برسونه.

اون گفت بمباران متابولیکه؟

یه نوع شکنجه ژنتیکیه. مثل مارتین لی.

بدترش اینه که... نورمن آزبورن اونو کشت.

نه، نکشت.

\*این شخصیت تحت عنوان آقای منفی در کمیک: مرد عنکبوتی: شهر در جنگ مطرح شد.



مگر اینکه اون تگه زمانی نادرست باشه، مگی چند ماه بعد از ضبط این ویدئو ها مصاحبه هایی با جیمز هاروی ترتیب داد.

چی؟ چطور؟



فکر کنم یه موج جرم رو دستمون باشه واتسون. سراسر شهر، مقدار زیادی غذا داره نفقود می شه...

ای بابا، رابی.

...و گزارشگری که مسئول پوشش خبری این ماجرا کردم، غیپش زده.



محو شدن غذا...



این داستان باید بیست دقیقه قبل روی میز من قرار می گرفت.

انجام شده رئیس.

خوبه.

کمی مونده... تا تقریباً... کاملاً تموم بشه.



باید سریع برم دفترم تا یه ویرایش سریع انجام بدم.

این اولین باریه که تو تحویل داستانش دیر می کنه. تاثیر بدی روش گذاشتی اوریش.

آره، تقصیر منه.



کمی بعد.

دوست ندارم ام جی رو وسط این خزعبلات مربوط به روح تنها رها کنم. ولی الان با هم شریکیم.

دوست پسر پیش از حد مراقب باید به یاد داشته باشه که ام جی خیلی قابلیت داره.

ضمناً، باید مطمئن باشم که لباس جدید ...

... برای تست بزرگ فردا آماده است.

اسپایدر من! بزنش!

چی رو؟

**BRAKA BRAKA BRAKA**

مگه شکلات؟!؟

**WHAK**

من زیاد دنبال طرفدار زیاد نیستم...

**BRAKA BRAKA BRAKA**

**BRAKA BRAKA**

ولی... شکلات نقطه ضعف منه!

**WHAM**

آره. آره. آره. میکروژئروسکوپ ها کار می کنند.

زره هم بدون قفل کردن حرکت خوب عمل می کنه.

اینو بگیر!

اوکی تیرانداز ساعت ۹.

لحظه حقیقت.





می دونم  
که الان تو لحظه  
خفن رد شدن از توی  
آتیش به روش ترمیناتور  
دارم حرف می زنم...

...ولی اینطوری خیلی  
باحال تره.

همیشه بهترین  
ایده ها موقع حموم  
کردن به نظرم  
می رسه...

...حمامی از  
شعله و ترکش های  
تیز.

و یه لحظه حرکت پر شتاب  
تغییراتی رو حس کردم که  
قراره همه چیز رو تغییر بده.

ام جی در حال تماس.

سلام،  
چه خبرا؟

سر کارم.

تست زره  
جدید موفقیت-  
آمیز بود.

برای امشب  
قرار داریم؟

حتماً.





دارم می رم سمت باگل.

می خوام چند تا دیگه از اون فیلم های مربوط به آزکورپ جنتیکس رو ببینم.



اونجا مواظب باش. تاریک و ترسناکه.

قول بده بعدش میایی پیشم.

راه افتادم.



دارم می رم پایین.



مشکلی نیست.

دارم به سمت پایین، به بزرگترین و تاریک ترین زیرزمین دنیا می رم... بین همه داستان های ترسناکی که خودم...



...نوشتتم.

چند بار

باید

بهت

بگم؟!

برورد کارت!

تو منو تعقیب می کنی!

گذشته هارو

هم نزن.

تو کی هستی؟!



هیچ داستانی

اینجا وجود نداره.

چرا برات انقدر مهمه؟

ولی من مطمئنم هست!

منو

مجبور

نکن









RTTTL  
RTTTL RTTTL

منو  
بیارا!

بیرون!

پیترا، یا حق  
با تو بوده. یا این  
اولین روح تاریخه که نمی تونه  
از دیوار رد بشه.



به هر حال  
اولین روح در نوع  
خودش محسوب  
می شه.

RTTTL  
RTTTL  
RTTTL

ساکت  
باش.



چرا بوی  
وسائل آتش بازی  
گرفتی؟

پیترا!  
ترکوند. خیلی  
حماسی  
بود.

همه اش  
بخاطر دانش  
عزیزم.  
وَعَع!

باشه، ولی  
اول یه بار دیگه  
اون بخش که گفتی  
حق با منه تکرار  
کن.

می دونستم  
حق با توئه، وگرنه  
نقش طعمه رو بازی  
نمی کردم.



خواب های  
خوش ببینی  
بری.





...و این اتفاق افتاده.

شاید آذربون می خواسته سرعت متابولیسم در انسان رو بالا بیره...

من فکر می کنم که تصادفی بوده. مثل مورد مارتین لی.

آذربون بایه دونده سریع چه کاری می تونسته داشته باشه؟

پس اگه این همون مرده باشه که توی ویدئوهای تست های ژنتیک بود، مثل... چرا؟



NEVER GHOST  
DINER

بخاطر مأموریت تو در مورد غذاهای غیب شونده بود.

و بعد از شونزده سال دوست پسر باهوش من این معما رو حل کرد.

فکرشو بکن. اگه اون چیز مسخره رو یه بار چرخونده بودم، هنوز دنبال ارواح بودیم.



خوب حالا اینجا قراره چه اتفاقی بیفته؟

هی به خودت این حرف ها رو بزن.



سرعت زیاد برای نامرئی شدن انرژی زیادی مصرف می کنه. اگه محاسباتم درست باشه این روح الان باید گرسنه اش باشه.

وقتی سوخت این شخص کم بشه، سرعتش کم می شه. تو همین لحظه می تونیم تصویر اونو تو دوربین ها شکار کنیم.



یه دلیلی داره که آزمایش های روی انسان ها غیرقانونی اعلام می شن. ظاهرشون علمیه ولی دیوانه کننده هستند.

و دانش آذربون کلاً به خطا رفته.

چیزی که نمی دونم اینه که این مرد چطور تونست شش ماه بعد از اون تست ها زنده بمونه. حالا شونزده سال پیشکش.

ممممم.

کمی بعد.



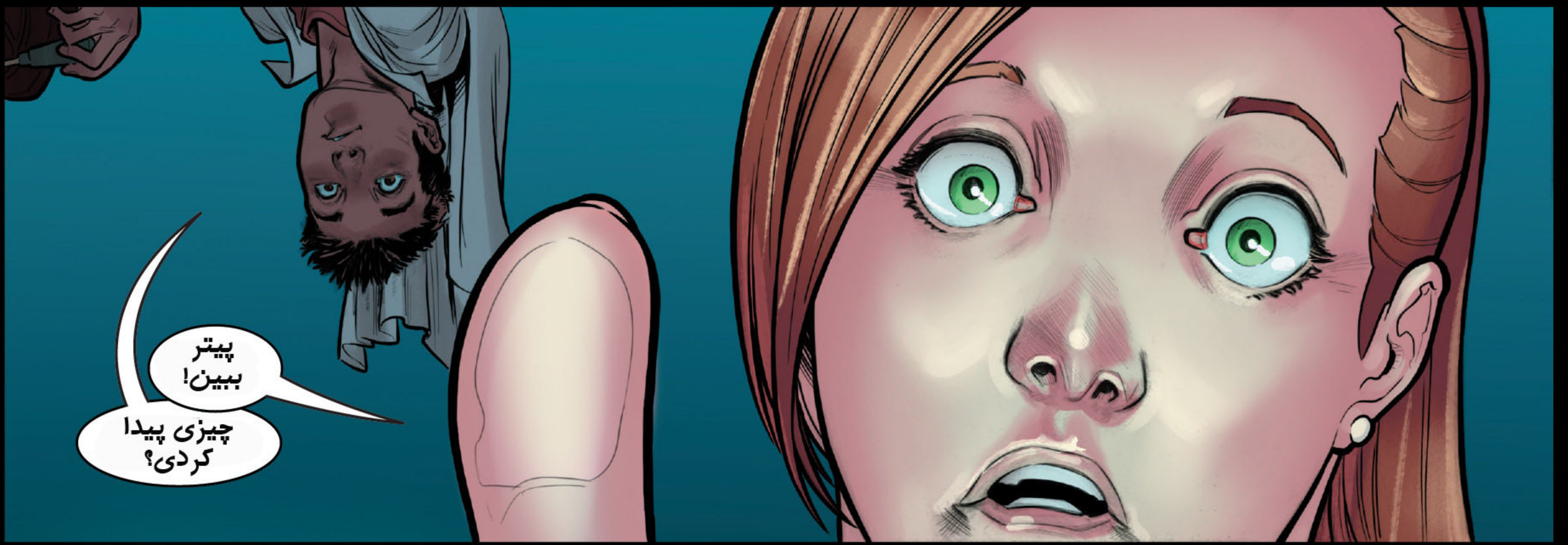
کمی بعدتر.

عالی شد.

آره، ولی کمی زمان بیره.

امکانش هست که کره چشم کلاً خشک بشه؟





پیتز  
ببین!  
چیزی پیدا  
کردی؟



همون جا. این.  
خودشه.

اون...  
همون  
مرد توی  
فیلم  
نیست.



نه... ولی  
بخش سریع رو  
درست گرفتی.

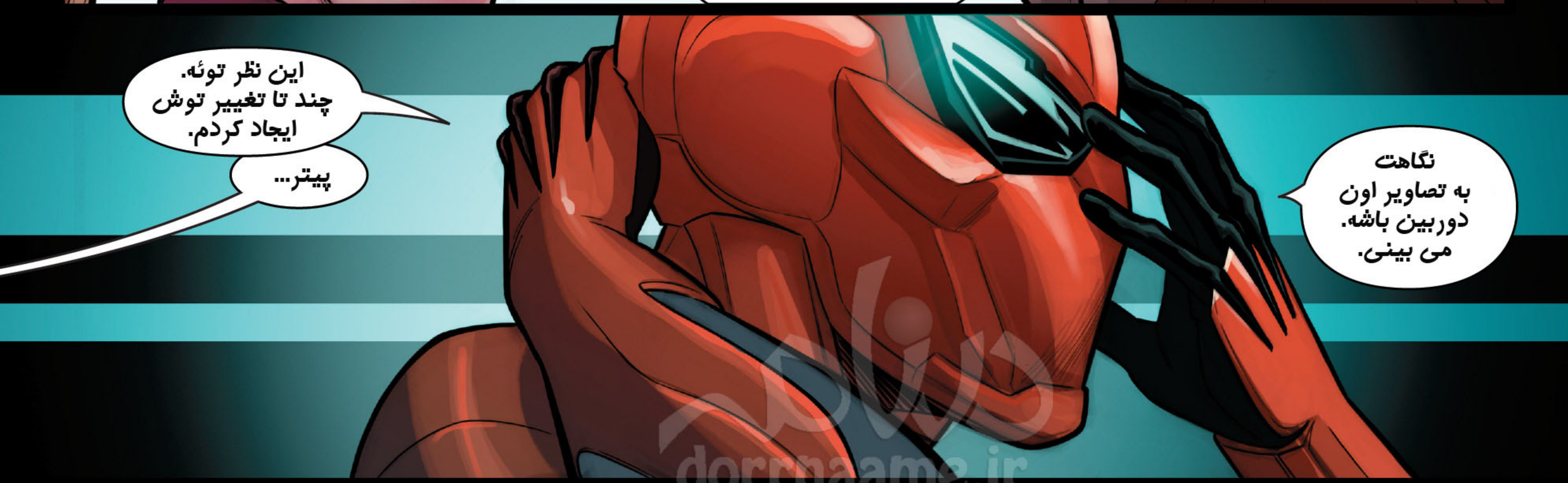
به حرکتش  
نگاه کن.



که چی؟

حالا باید برم و بگیرمش.

این زره جدید  
برای سرعت بالا ساخته  
نشده.  
بگیر پیش؟  
با اون لباس؟  
پیتز، نه.



این نظر توئه.  
چند تا تغییر توش  
ایجاد کردم.

پیتز...

نگاهت  
به تصاویر اون  
دوربین باشه.  
می بینی.





صبح بخیر  
بری.

وو-هوه؟!  
اسپایدر... من؟

حواست  
به کارت باشه... فقط  
اومدم یکی از دوستان  
(رو ببرم).



اسپایدر من یعنی  
بی خطر.  
زود کارم تموم  
می شه.

دوستانه  
وارد می شم.



توی من

جعبه

بتنی

یازده  
ساعته

گیر افتادم.

می-  
دونی

چقدره؟  
یازده  
ساعته

چه حسی  
تو این مدت

بهت دست  
می ده؟



یا  
به من؟

حسن می کنم  
این سؤال  
جنبه سخنرانی  
داره.





بخطرات کنجکاوی  
دانش بنیان این سؤال  
رو می پرسم...

WHOOSH

...واقعاً دنبال  
جواب سؤال  
هستم.

خیلی  
بدها

THWIP

THWIP

BAM

من دارم  
می رم.

راستش  
اینطور نیست.

نمی ری.

پفت.



# KRASH

ببین پس

واو... خوب... بسیار...

تو...  
خیلی...

# THUD

...سریع!

داه.

کاف  
کاف  
کاف

# SPLASH



فکر می کردم

بخشی از

خشم

بخاطر  
اینه که

گر ستمه.

ولی

الان  
دیکه

سیرم.

ولی  
الان

فقط

عصبانیت

کلاسیک

و خالص.

جای تو

بودن

مزخرفه.

ادامه دارد!



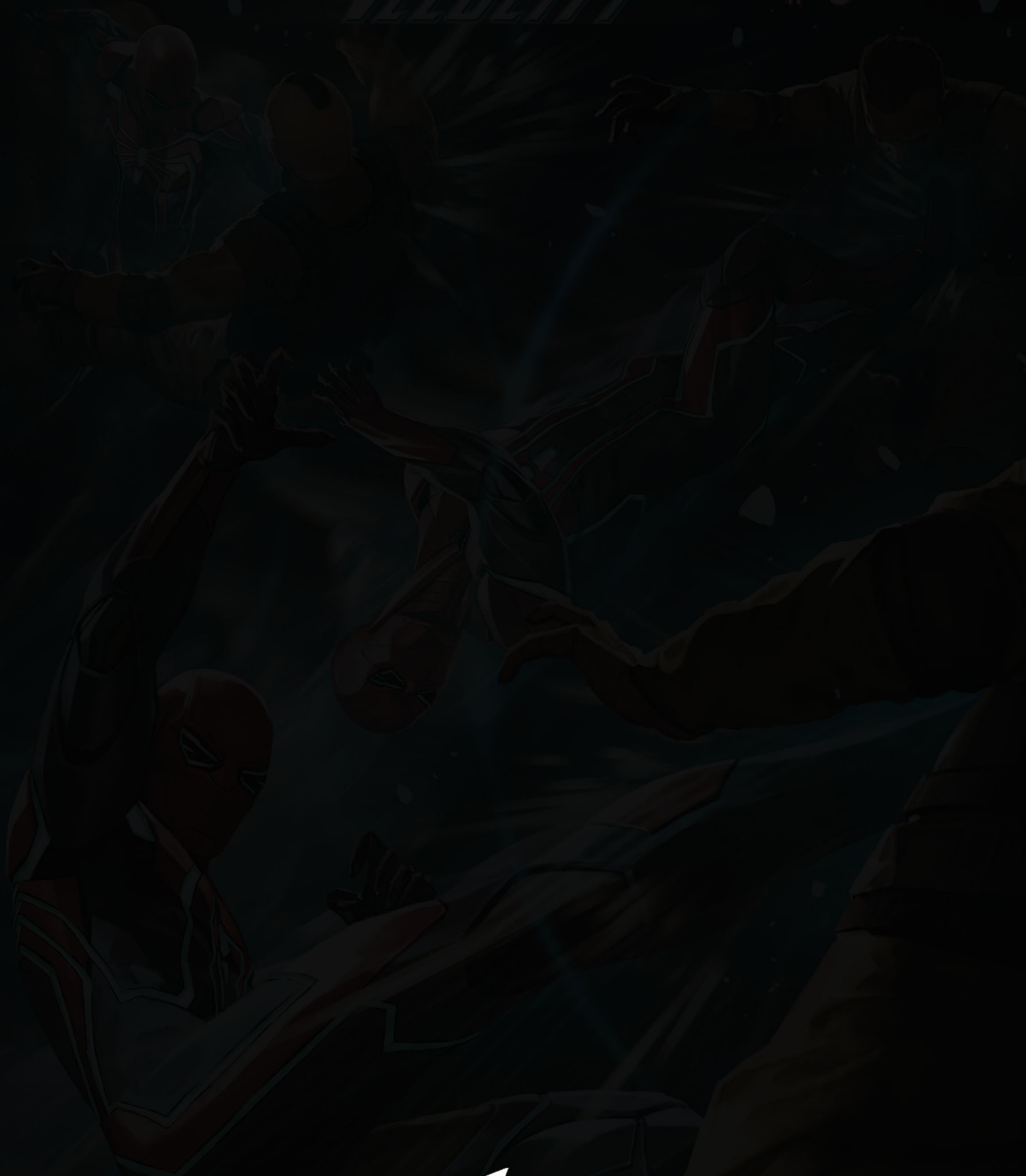
NEXT:

MARVEL

# SPIDER-MAN

VELOCITY

#3



دورنامه  
dorrname.ir

مربع کمیک های فارسی